

"بخش دوم"  
ماتریالیسم تاریخی

هویت اجتماعی انسان  
در کار و تولید جمعی  
امیر نیک آیین

فصل دوم- طبیعت، جامعه، انسان

درس 51- مناسبات تولیدی

"تولید مادی، شالوده تکامل اجتماع و علت تعیین کننده این تکامل است"- این یکی از مهمترین قوانین علم ماتریالیسم تاریخی است که از درس گذشته به آموختن آن پرداختیم. ولی برای فراگرفتن دقیق این قانون باید مقوله "شیوه تولید" را نیز همه جانبه بیاموزیم، زیرا که درست همین شیوه تولید نعمات مادی است که در هر مرحله تاریخی معین، سیمای اجتماعی را مشخص می سازد و علت قاطع تکامل جامعه است. شیوه تولید، علاوه بر "نیروهای مولده" که در درس گذشته آموختیم، دارای جهت و جنبه اساسی دیگری هم هست که "مناسبات تولیدی" نام دارد.

(1)

**توضیح مقوله مناسبات تولیدی-** تولید مادی تنها به نیروهای مولده محدود نمی شود. تولید نعم مادی در هر مرحله معین تاریخ، تنها دارای یک جنبه نیست، زیرا که انسان ها بطور مجزا و انفرادی زندگی و تولید نمی کنند؛ بلکه همراه با هم، اجتماعا، در حالی که در جامعه بشری متشکل هستند کار می کنند و به تولید نعم مادی می پردازند. کار همیشه کار اجتماعی است. انسان همیشه موجودی اجتماعی است. فعالیت تولیدی انسان ها همواره در چارچوب اجتماع صورت می گیرد.

اما در جریان کار و در روند تولید، انسان ها ناگزیر با یکدیگر دارای مناسباتی می شوند، بین خود روابط مختلفی برقرار می کنند. آدمیان در جریان تولید، تنها بر محیط مجاور تاثیر نمی گذارند، تنها با طبیعت روبرو و همجوار، در نبرد یا همزیستی، در کشمکش یا بهره گیری نیستند؛ بلکه برای همان فعالیت مشترک و ادامه زندگی و مبادله متقابل ثمره کار و فعالیت خویش، ناگزیر با یکدیگر در تماس و رابطه در می آیند.

مناسبات بین انسان ها بطور کلی و بسیار گونه گونه و سخت متنوع است، هم مادی است و هم معنوی، هم اقتصادی است و هم سیاسی و اخلاقی و حقوقی و عاطفی و غیره. اصولا خود جامعه چیزی نیست جز مجموعه ای از مناسبات گوناگون اجتماعی. منتهی مارکسیسم بین مناسبات مادی اجتماعی و مناسبات معنوی یا ایدئولوژیک و روانی جامعه تفاوت قائل می شود. موضوع بحث ما مناسباتی است که در امر تولید، بین انسان ها بوجود می آید و آن را "مناسبات تولیدی" می نامیم.

مارکس می نویسد:

"انسان ها برای تولید، در رابطه و مناسبات خاصی با یکدیگر وارد می شوند و تنها در چارچوب این روابط و مناسبات اجتماعی است که عمل انسان ها بر روی طبیعت جریان می یابد و تولید انجام می شود.

اگر مقوله "نیروهای مولده" بیانگر رابطه انسان با طبیعت بود، مقوله "مناسبات تولیدی" مبین رابطه انسان ها با یکدیگر است.

به این نکته توجه کنید که از همان زمان ابتدائی ترین مراحل تولید، از همان بدو تبدیل میمون به انسان که کار و ابزار سازی عامل اساسی آن بود، انسان ها بین خود دارای مناسبات متقابلی می شوند. البته این مناسبات در هر مرحله تاریخی متفاوت است. مثلا مقایسه کنید روابط همکاری بدیهی بین افراد قبایل شکارچی اولیه را به منظور شکار جمعی، با روابط بین برده و برده دار، یا مقایسه کنید مناسبات بین مشتی سرمایه دار بزرگ غارتگر را با انبوه عظیم کارگران رنجبر و درمقابل آن مناسبات بین کارگران و دهقانان را در جامعه سوسیالیستی بر اساس همکاری و برابری. این مثال ها نشانه تغییر مداوم مناسبات تولیدی در طول تاریخ است که بر شالوده رشد نیروهای مولده انجام می گردد.

## (2)

**اجزاء مقوله "مناسبات تولیدی"** - با تکامل اجتماع و رشد نیروهای مولده بین دستجات کشاورز و دستجات دامپرور و بین گروه های کشاورز و گروه های پیشه ور و بین اینها و گروه تجار، تقسیم کار ایجاد می شود و مناسبات تولیدی هر چه متنوع تر و تازه تری استقرار می یابد. تولید صنعتی ماشینی، این روابط بین تولید کنندگان، بین افراد اجتماع را بسیار گوناگون کرده است. اما از بین این تنوع و گوناگونی باید عنصر اساسی را پیدا کرد، باید به عامل ریشه ای دست یافت.

شالوده مناسبات تولیدی عبارت است از اشکال مالکیت. یعنی اینکه وسائل تولیدی در دست چه کسانی، در تعلق چه کسانی و به چه صورت است. به دیگر سخن موضع و موقعیت افراد نسبت به وسائل تولیدی نظیر زمین و منابع زیرزمینی و جنگل ها و آب ها و مواد اولیه و ساختمان های تولیدی و ابزار کار و ماشین آلات تولیدی و غیره چگونه است. خصلت و ماهیت مناسبات تولیدی، مناسباتی که بین انسان ها در روند تولید پدید می آید، در درجه اول وابسته به آن است که این عوامل گوناگون در مالکیت کیست. اما مناسبات تولیدی علاوه بر اشکال مالکیت و روابط ناشی از تعلق وسایل تولیدی، دارای عناصر مهم دیگری نیز هست. می دانید که تشخیص عنصر اصلی و تعیین کننده، در هیچ موردی، به هیچ وجه به معنای نفی یا کم بها دادن به سایر عناصر و عوامل نیست.

مقوله مناسبات تولیدی علاوه بر "عناصر روابط مالکیت" که عنصر اصلی و تعیین کننده است، عناصر دیگری را نیز در برمی گیرد، از جمله:

- مواضع گروه های مختلف اجتماعی در تولید و روابط آنها در جریان تولید
- جای هر گروه در سیستم تولیدی اجتماعی
- اشکال توزیع و بهره گیری از ثمره تولید.

این عناصر، در اساس از همان عامل قبلی یعنی اشکال مالکیت ناشی می شود. مثلا اگر مالکیت اجتماعی باشد، یعنی وسائل تولید متعلق به همگان و در اختیار همه زحمتکشان باشد، آن وقت مناسبات تولید خصلت همکاری کمک متقابل به خود می گیرد و مواضع گروه های مختلف بر اساس برابری و حق مساوی تعیین می گردد. اما اگر مالکیت خصوصی باشد و وسائل تولیدی در مالکیت مشتی استثمارگر باشد در این صورت مناسبات تولیدی دارای خصلت تسلط، بهره کشی و ستمگری خواهد بود، یک گروه که مالک وسائل تولیدند، حاکم و تصمیم گیرنده و فرمانروا خواهند بود و گروه دیگر که از چنین مالکیتی محرومند، در موضع محکوم، مجری و فرمانبر قرار خواهند گرفت.

مقصود از اشکال توزیع نیز نحوه تقسیم نعمات مادی است. چگونگی کمی و کیفی تقسیم نعم حاصله توسط کار جامعه، و اینکه به هر فرد و گروه چقدر و چگونه از این نعم می رسد، عنصر دیگری از مقوله مناسبات تولیدی است که خود وابسته به نحوه مالکیت بر وسائل تولید است. مثلاً مالکیت خصوصی سرمایه دار سبب می شود که به نحو غیر عادلانه و بکلی حق کثانه ای نعمات مادی بین کارگر و کارفرما، بین زحمتکشان و سرمایه داران تقسیم شود و از نظر توزیع نعم مادی اختلافات فاحش طبقاتی و دره ژرف فاصله اجتماعی بوجود آید. همه می بینیم که مالک وسائل تولید، اگر چه کوچکترین شرکتی هم در جریان کار نداشته باشد قسمت اعظم نتیجه کار را می بلعد. نگاهی به وضع درباریان، سرمایه داران بزرگ و زمین داران کلان، نشان می دهد که چگونه مالکیت بر وسائل تولید، که عنصر اساسی در مناسبات تولیدی است، برای آنان وضع و موقعیت حاکم و سیطره گر و برخورداری از نعم را فراهم می سازد و شرایط غارت ثروت کشور و ثمره کار مردم را آماده می کند؛ در حالی که بعثت فقدان مالکیت، میلیون ها کارگر و دهقان زحمتکش دیگر از ثمره کار خود برخوردار نیستند، به فقر و زندگی دشوار محکومند و حقی در تعیین واقعی سرنوشت خود و میهنشان ندارند.

### (3)

**انواع مناسبات تولیدی- مناسبات تولیدی** عبارتست از روابطی که بین انسان ها در جریان تولید و مبادله و توزیع نعم مادی مستقر می گردد و خود پایه و زیر بنای اقتصادی جامعه را تشکیل می دهد. ماهیت این مناسبات تولیدی است که سراسر نظام زندگی اجتماعی و ساخت درونی اجتماع را تعیین می کند.

انواع این مناسبات تولیدی است که انواع صورت بندی ها یا دوران های اجتماعی- اقتصادی را بوجود می آورد. مناسبات تولیدی می تواند بطور کلی بر دو قسم باشد:

- 1- مناسبات همکاری و تعاون
- 2- مناسبات سیادت و تبعیت.

این تقسیم بندی بستگی دارد به رابطه بین انسان ها نسبت به ابزار کار و وسائل تولید. آنجا که آدمیان بطور جمعی و اشتراکی و کلکتیف، مالک وسائل تولید باشند، به مثابه خانواده مشترک و متقابلاً ذینفع در همه امور زیست خواهند کرد و مناسبات همکاری و تعاون خواهد بود. آنجا که بخشی از جامعه مالک وسائل تولید باشد و بخش دیگری فاقد آن، بناچار آن بخش دیگر را به تبعیت و می دارد، او را استثمار می کند، بر او سیادت می جوید.

### (4)

**خصلت مناسبات تولیدی- مناسبات تولیدی** بین انسان ها بطور عینی، یعنی مستقل از خواست و اراده انسان ها و تمایل آنها تشکیل می شود. انسان ها برای ایجاد شرایط ضرور زندگی بناچار وارد این مناسبات می شوند و چگونگی آن منوط به اراده انسان ها نیست، بلکه منوط بدان است که چه سطح و گونه ای از نیروهای مولده را در اختیار دارند. مثلاً بشرهای اولیه اصولاً تصویری هم از مناسبات سرمایه داری تولید نمی توانستند داشته باشند و نمی توانستند اراده کنند که وارد جامعه سرمایه داری شوند. یا آنها که در نظام برده داری به قیام علیه صاحبان وسائل تولید بر می خاستند، به فرض هم که آرزوی برابری انسان ها و نوعی تصور از جامعه سوسیالیستی در مخیله شان می گنجید، نمی توانستند چنان جامعه ای را که نیاز به سطح معینی از نیروهای مولده دارد بسازند. و این خود یکی از جنبه های مهم رابطه دیالکتیکی بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدیست که دو جهت "شیوه تولید" هستند. مناسبات تولیدی، مناسباتی مادی است. در بین مجموعه مناسبات اجتماعی موجود در جامعه انسانی،

این مناسبات تولیدی است که – در آخرین تحلیل- تعیین کننده سایر مناسبات است و ویژگی و خصلت هر دوران اجتماعی را می تواند تعیین کند.

کتابخانه  
موزه  
پژوهش